

نگاهی گذرا به فعالیت نهادهای مسئول در زمینه راهبرد مشارکت

راننده جاده مشارکت، حواست کجاست؟

مصطفی آقاچانی
پژوهشگر هسته بازاریابی سیاسی مرکز رشد دانشگاه امام صادق(ع)

در اواخر مهرماه ۱۴۰۲ قرار داریم و کمتر از پنج‌ماه به انتخابات ۱۱ اسفند باقی‌مانده است. تحولات ۱۴۰۱ بر تیم سیاسی وزارت کشور و سایر بخش‌ها، هنوز سایه افکننده و حواس راننده مشارکت ما را پرت کرده است. مشارکت یکی از پایه‌های اساسی شکل‌گیری و بقای جمهوری اسلامی ایران است. اگر در ابتدای مبارزات انقلابی از مردم حامی می‌پرسیدید که آیا می‌توان مردم را برای کنار زدن رژیم شاهنشاهی یکی کرد و به مشارکت واداشت، پاسخ اکثر مردم منفی بود. در دوران جنگ تحمیلی هم عموم مردم و جریانات روشنفکری به شکست صدام امید زیادی نداشتند. در طول سال‌های اخیر، عبور کشور از بحران‌های طبیعی نظیر سیل، زلزله و همه‌گیری کرونا و بحران‌های دیگر نظیر تورر ناجوانمردانه سردار حاج قاسم سلیمانی به دستور رئیس جمهور آمریکا و حوادث پس از آن نیز بدون مشارکت و همدلی گسترده مردم بعید می‌نمود. پدیده‌ای که این عبور را آسان کرد، اولاً خواست و اراده مسئولان و اراده برای به میان مردم رفتن و ثانیاً بازکردن فضای کنش و مشارکت آحاد مردم در عرصه‌های مورد نیاز برای پیشبرد امور بود. منشأ این ورود نیز باور رهبران انقلاب به اصل جمهوریست و مردمی بودن نظام اسلامی بوده است. موضوعی که در بخش‌هایی از نظام با تردیدها و کم‌کاری‌هایی مواجه شده است و با توجه به اهمیت اصولی و زیربنایی مشارکت در جمهوری اسلامی از یک سو و فقدان متولی مشخص برای آن از سوی دیگر کسی جز رهبر انقلاب مسئولیت آن را برعهده نمی‌گیرد و از آن خود نمی‌کند.

راننده عزیز، صدای ضبط را پایین بیاور

در اواخر مهر ماه ۱۳۰۲ قرار داریم و کمتر از پنج‌ماه به انتخابات ۱۱ اسفند باقی مانده است. تحولات ۱۴۰۱ بر تیم سیاسی وزارت کشور و سایر بخش‌ها، هنوز سایه افکننده و حواس این راننده مشارکت ما را پرت کرده است. مباحث اقتصادی، موضوعات مربوط به امنیت اخلاقی و طرح عفاف و حجاب، بازگشایی دانشگاه‌ها، ناامنی‌ها در مرزها، آسیب‌های اجتماعی، قضیه مهاجران افغانستانی که اکنون با محور مرحوم مهرجویی قصد داغ‌تر کردنش را دارند؛ همه و همه به مثابه یک موسیقی بلند و گوشخراش، هوش و حواس راننده مسیر مشارکت یعنی وزارت کشور را بروده و او را از طی مسیر و مقصود اصلی بازداشته است و به اصطلاح هنوز فضا را انتخاباتی نکرده است.

ادامه از صفحه یک

صدور حکم اعدام این اتباع هندی در آستانه انتخابات سراسری هند می‌تواند ناکامی بزرگ برای مودی و دستگاه سیاست خارجی او محسوب شود.کما اینکه حزب مخالف کنگره بلافاصله بعد از انتشار حکم از دولت خواست تا با استفاده از اهرم‌های دیپلماتیک، هرچه زودتر دسترسی این افراد به دادگاه تجدید نظر و درنهایت امکان آزادی آنها را فراهم کند. با این همه در سایه سکوت خبری کامل دولت قطر و عدم تحویل رسمی نظام دادگاه به مقامات کنسولی هند، دهللی‌نو ترجیح داده است تا همچنان این موضوع را به شکلی محرمانه مورد پیگیری قرار داده و از ابزار نظری‌های حاشیه‌ساز بپرهیزد.

ارتباط میان حکم صادره و فضای سیاسی حاکم بر منطقه

در فضایی که از یک سو تحولات غره موجب شده تا منازعه میان جهان اسلام و رژیم صهیونیستی به نقطه اوج خود برسد و از سوی دیگر مواضع اولیه نخست‌وزیر هند در برابر این بحران به نوعی حمایت از اسرائیل تلقی شده است، صدور حکم اعدام برای هندی‌های متهم به جاسوسی برای اسرائیل این سوال ساده را به ذهن متبادر می‌سازد که آیا این فضا در رای دادگاه تاثیرگذار بوده است یا خیر. با توجه به اینکه پرونده یک سال پیش شکل گرفته و روند رسیدگی به آن نیز پیش از وقوع تنش‌های اخیر تدارم یافته است، شاید نتوان با قاطعیت در این مورد نظر داد با این حال برخی شواهد می‌تواند ما را به سوی این نتیجه‌گیری سوق دهد که فضای کنونی در صدور حکم فعلی می‌تاثیر نبوده است. انشای رای دادگاه در پرونده‌ای پیچیده بعد از برگزاری فقط چهار جلسه، اعلام و انتشار حکم بدوی در حالی که براساس قوانین قطر هنوز مراحل مختلف فرجام‌خواهی باقی مانده است، عدم صدور حکم برای دیگر متهمان پرونده از جمله مالک اردنی شرکت که به قید وثیقه آزاد شده بود در نهایت غافلگیری دستگاه دیپلماسی هند که می‌تواند نشان دهنده امیدواری اولیه آنها به موفقیت تعاملات دیپلماتیک یاد‌وحه باشد؛ همگی بخشی از دلایلی هستند که با استناد به آنها می‌توان گفت که فضای حاکم بر منطقه در رای دادگاه تاثیرگذار بوده است.

پیامدهای این پرونده بر روابط هند و قطر

شاید در حال حاضر عمده‌ترین تگرانی دهللی‌نو این است که پرونده جاسوسی

کمک به کمک‌راننده

در این میان صد او سیما هم به عنوان کمک‌راننده که باید مسیر و مقصد را نشان داده و به راننده هشدار دهد، نقش خود را از یاد برده و فاع از چند کار کلیشه‌ای، برنامه‌ای را تدارک ندیده و خود را مشغول تلبت اختصاصی خود کرده است. گویا اهمیت کار تیمی و همکاری با راننده را از یاد برده است. حال آنکه اگر کمک‌راننده نتواند مسیر را به درستی نشان ندهد، خطرات مهلکی در کمین سرنشینان خودرو خواهد بود، به‌گونه‌ای که عواقب آن قابل تخمین و تحلیل نخواهد بود. کمک‌راننده در دوره جدید با تیمی جدید روی کار آمد و انتظارات زیادی را برانگیخت. تیم جوان و انقلابی این انتظار را ایجاد می‌کند که با برنامه‌ها و طرح‌های هوشمندانه‌تر و سریع‌تر و موثرتری روبه‌رو شویم. اما غیر از مجموعه برنامه‌های صف اول که چندی روی آنتن رفته بود، تاکنون طراحی خاصی را شاهد نبوده‌ایم.

درجا زدن برای سرد نشدن نیست برای گرم کردن است!

به راستی چرا اطراف قضیه در حال درجا زدن هستند. از سازمان تبلیغات، صد او سیما، وزارت کشور و خود مجلس! چرا خبری نیست؟ در عین حال هر چند همگی (همه نهادهای دولتی و غیردولتی و نهادهای واسط و مردمی) در راستای احتساب و هم‌راهی و جلب مشارکت مردم مسئولیت دارند، هیچ کس جای صد او سیما را نمی‌تواند بگیرد. صد او سیما است که می‌تواند با ایجاد بستر رسانه‌ای دستورکار عمومی را شکل دهد، صد او سیما است که می‌تواند با تولید برنامه‌های فراگیر و چالشی فضای رخوت سیاسی را بشکند و زمینه را برای برگزاری یک انتخابات رقابتی (دیگر راهبرد ابلاغی رهبری در ۱۵ فروردین ۱۴۰۲) فراهم کند. اگر #رزقابتی بازنامی نشود، #عامیاتی نیز احساس نخواهد شد و به تبع آن #مشارکت نیز دچار خدشه خواهد بود.

مسیر یاب ایرانی را روشن کنید

بعد از تعویض نفر اصلی وزارت کشور در سال انتخابات (معاونت سیاسی) و تحولات مثبت و منفی یکی دو سال اخیر که هر یک به نوعی افکار عمومی و افکار و وقت مسئولان را درگیر خود کرده بود، آیا وقت آن نرسیده است که به اصل موضوع، یعنی مشارکت بپردازیم؟ ناگفته نماند که رهبران انقلاب در هنگامه جنگ هم از مشارکت و مردمی بودن عدول

نکرده و زیر بمب و خمپاره و وضعیت امنیتی پیچیده آن دوران از این ارزش و اصل خودش کنار نکشیدند و اگر هیچ یک از دستاورد های سال‌های اخیر نیز حاصل نمی‌شد و ما اکنون در وضعیت نامناسب امنیتی نیز بودیم تکلیف نهادهای مسئول ساقط نمی‌شد. بر این اساس هر چند از نگاه کارشناسان انتخابات، اکنون نیز دیر شده است، به راننده اصلی این ماشین یعنی وزارت کشور پیشنهاد می‌دهم با توجه به زیست‌بوم و وضعیت جاری کشور حداکثر تلاش خود را در این امر به‌کار گیرد و با عمل به موقع به راهبرد مشارکت، از حسرت‌های پسینی ترک فعل جلوگیری کند. از جمله این افعال که در سال‌های قبل انجام می‌شده جلسات هم‌افزایی با احزاب، هماهنگی با جریانات رسانه‌ای، مشورت و جلسه با شوراه‌ها و طرح‌های هوشمندانه‌تر و سریع‌تر و موثرتری روبه‌رو شویم. جدی بر موضوع انتخابات به‌وسیله برون‌سیاری و یا کمتر درگیر شدن در سایر موضوعات مرتبط با حوزه کاری بوده است. شاید وزارت کشور در ماه‌های اخیر برخی از این کارها را به صورت روتین انجام داده باشد، اما آنچه در روی زمین شاهدش هستیم بازگوکننده کم‌فایده‌گی و کم‌ثمری این اقدامات در میان مردم است.

جمع‌بندی

پیر واضح است که تنها متولی مشارکت در انتخابات وزارت کشور و ستاد انتخابات نیست و برای ایجاد یک مشارکت حداکثری و مطلوب بایستی همه نهاد های مرتبط در بخش‌های گوناگون دست‌به‌دست هم دهند و با ایجاد یک کمپین دائمی و رابطه‌ای فضا و وضعیت کشور را برای یک انتخابات پرشور فراهم کنند. اما نقطه عزیمت این مقصود و شروع کننده این حرکت، وزارت کشور است که باید با همه بخش‌ها و متولیان ارتباط درست برقرار کرده و همه تلاش‌های کشوری، استانی و شهرستانی را در این راستا به کار گیرد. پیشنهادات داده شده در قسمت اخیر تنها برخی کارهای مرسوم این فضا است که تاکنون به درستی انجام نگرفته است. در غیر این صورت و برای ایجاد یک جهش و حرکت جدی در زمینه افزایش مشارکت نیازمند یک حرکت کمپینی و فراگاهی برای جلب مشارکت مردمی در انتخابات پیش‌رو هستیم که از جمله پیش نیازهای آن باور عمیق‌تر به مردم، اعتقاد به بلندمدت بودن سیاست، رقابت و انتخابات و در نهایت التزام به کنش‌های منظم تبلیغاتی در چهارچوب یک کمپین دائمی انتخاباتی جهت افزایش مشارکت سیاسی آحاد مردم است.

طوفان الاقصی شمارش

معکوس اضمحلال و

فروپاشی صهیونیسم

محمد مهدی جهان‌پرور
مدرس دانشگاه

در قرآن کریم آیات چهار و پنج سوره اسراء آمده است: «وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا»، «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهِمَا بَعَثْنَا عَلَيْنِكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بِأَسْمِ سُيُودٍ فَبَجَأُوا بِخِلَافِ الذِّبَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَقْعُودًا»؛ و ما به بنی اسرائیل در کتاب آسمانی (تورات) اعلام کردیم که دوبار در زمین (فلسطین) فساد خواهید کرد و برتری جویی بزرگی خواهید نمود، پس همین‌که وعده نخستین فتنه فرارسد، مردانی پیکارجو را بر شما می‌فرستیم (تا شما را کیفر دهند و درهم کوبند)، پس درون خانه‌ها را جست‌وجو کنند و این، وعده‌ای قطعی است. با توجه به آیات فوق، عملیات شجاعانه طوفان الاقصی توسط جبهه مقاومت فلسطین را می‌توان نقطه آغازین این وعده الهی و نقطه عطفی در تاریخ مبارزات مردم این سرزمین در امتداد نبرد یازده‌روزه سیف‌القدس (۲۰۲۱) دانست، عملیاتی که همه جهان به‌خصوص مستبدان رژیم غاصب صهیونیستی را در بهت و حیرت فرو برد، و نمایی از ریزش هیمنه پوشالی این رژیم مغزور، ناکارآمدی ارتش، تجهیزات و تسلیحات نظامی به‌ظاهر پیشرفته آن نظیر گنبد آهنین و…، و نیز ناتوانی و بی‌کفایتی ساختار حکومتی در اداره امور شهروک نشینان یهودی را به رخ جهانیان کشید و زخمی عمیق و دردناک بر پیکره فاسد و پوسیده این رژیم جعلی وارد آورد؛ از هم در شرایطی که نتانیاهو، نخست‌وزیر کنونی و معلوم‌الحال رژیم صهیونیستی در محافل و مجالس رسمی و غیررسمی همچون کنفرانس‌های خبری و جشن پیروزی انتخابات در مقر حزب افراطی و راست‌گرای لیکود، فاتحانه و قاطعانه، از قدرت نظامی اسرائیل به‌عنوان عامل بازدارنده جبهه مقاومت فلسطین سخن می‌راند. علی‌ای حال، آنچه مورد توجه، بحث و گفت‌وگوی محافل سیاسی و رسانه‌ای جهان است، گمانه‌زنی‌هایی در باب امکان ورود یا امتناع از ورود رژیم نژادپرست اسرائیل به جنگ زمینی علیه غزه، رادگاه بزرگ‌ترین جنبش مبارزاتی است. علت این تردیدها و اما و اگرها را می‌توان در آمادگی نیروهای مقاومت حماس و موقعیت ژئوپلیتیکی نوار غزه با وسعتی به مساحت ۳۶۰ کیلومترمربع دانست. زیرا این منطقه علاوه‌بر اینکه نقش موقعیت مرکزی را در تحولات فلسطین ایفا می‌کند، دارای مرز زمینی مشترک با مصر و فلسطین، و بخشی از ساحل دریای مدیترانه، و تونل‌ها و دالان‌های عمیق، تورتو و پیچیده مجهز به ادوات نظامی در زیر زمین است، فلذا ورود نیروهای اشغالگر قدس را با مشکل، بیسم و تردید مواجه ساخته است. از این‌رو، آنان با حملات هوایی و حشیشانه و غیرانسانی، و بمباران مناطق غیرمسکونی به‌خصوص بیمارستان‌ها و استفاده از بمب‌های فسفری و کشتار بیش از هفت‌هزار نفر از غیرنظامیان این منطقه و نیز ۳۲ خبرنگار، و همچنین مسدودساختن گذرگاه رفح به‌منظور جلوگیری از ارسال کمک‌های بشردوستانه و قطع آب، برق، سوخت و اینترنت یکی از بزرگ‌ترین فاجعه‌های انسانی را رقم زده و تلاش نموده‌اند ضمن وارد آوردن آسیب‌های جسمی ناشی از بمباران‌ها و فشار شدید روحی و روانی ناشی از مشکلاتی همچون از دست دادن عزیزان، شیوع بیماری، بروز قحطی و فشار گرسنگی و تشنگی و مواردی از این دست، یأس و ناامیدی را بر مردم منطقه تحمیل ساخته، تا علاوه‌بر عدم حمایت مردم از گروه‌های مقاومت و ترک خانه و کاشانه، و کوچ اجباری از شمال غزه به جنوب این منطقه، ورود به منطقه غزه را تسهیل و جنبش حماس را وادار به عقب‌نشینی، عدم مقاومت و تسلیم کنند. غافل از اینکه این ملت غیر و آزاده هرگز دست از اهداف و آرمان‌های خود برنداشته و برنخواهد داشت، چنانکه در ۷۵ سال اخیر نیز این چنین بود. حال با توجه به رصد اخبار و تحولات وقایع حال حاضر و تحلیل شخصیتی نخست‌وزیر کنونی رژیم صهیونیستی به نظر می‌رسد تهاجم زمینی رژیم آیزن‌هاید اسرائیل به غزه دیر یا زود به وقوع خواهد پیوست، زیرا اولاً، دولت فعلی اسرائیل تلاش دارد با راه‌اندازی جنگ، اعتراضات شهروک نشینان یهودی را فرو نشاندند و با ایجاد اتحاد و انسجام ملی حمایت آنان را جلب نماید. ثانیاً، ماجرای اصلاحات سیستم قضایی، فساد و بیماری نتانیاهو تحت‌الشعاع این رویارویی قرار گرفته و به محاق رود. ثالثاً، نفرت و بیسم شدید نتانیاهو از ایران و رویای رویارویی با جمهوری اسلامی، وی را بر آن خواهد داشت تا علی‌رغم مخالفت برخی اعضای کابینه‌اش، با حمله زمینی به غزه فارغ از نتیجه و تلفات سنگین، موجبات بروز تنش در منطقه و ورود ناخواسته آمریکا و متحدانش را به جنگ با ایران و هم‌پیمانانش فراهم آورد. رابعاً، برخورد‌ها و سخنان تفرقه‌انگیز، توجه به منافع فردی و گروهی و دامن زدن به اختلافات توسط برخی افراد و گروه‌های داخلی همچون محمود عباس، رئیس جنبش خودگردان فلسطین و جنبش فتح، موجب شکاف و عدم اتحاد شده است. خامساً، سکوت و انفعال برخی کشورهای عربی و اسلامی منطقه و نهادهای بین‌المللی در مقابل جنایات ددمنشانه رژیم اسرائیل موجب جسارت یافتن و جنایات بیشتر شده است. بنابراین، اگرچه علت تأخیر جنگ زمینی و ورود به غزه را می‌توان عدم اشراف اطلاعاتی و منطقه‌ای دشمن، ترس ناشی از تلفات سنگین، و نیز مخالفت شهروندان یهودی، فشار افکار عمومی و دولت آمریکا به‌منظور جلوگیری از شکست مفتضحانه و تنش در منطقه دانست، اما باید به این مطلب روزنامه نیویورک‌تایمز نیز، مبنی بر اینکه «علی‌رغم نهایی شدن طرح حمله زمینی به غزه توسط مقام‌های ارشد ارتش اسرائیل، نتانیاهو از امضای آن خودداری نموده، چراکه همچنان در کابینه راست‌گرای افراطی وی در این خصوص میان اعضای دولت اختلاف نظر وجود دارد، و وی حاضر نیست در صورت شکست، تنها مقصر این رخداد قلمداد شود»، توجه داشت، چراکه نیازمند شرایطی برای اعمال شوروانه و مجرمانه خویش است.

[نقد و بررسی اندیشه‌ها]

چرخه حکمرانی



چهارشنبه ۱۰ آبان ۱۴۰۲



شماره ۳۹۹۶



WWW.FDN.IR



FARHIKHTEGANDAILY

۱۵

ساحت‌ها را در راستای جهانی سازی و مالی سازی، اقتصادی درک کرده است و امروز هم در مقام سکوت درباره مردم فلسطین است یا ناقد رفتارهایی است که باعث می‌شود صلح منطقه دیگر نباشد؛ چراکه تصویری که از فلسطین دارد به نوعی همان تصویری است که از خرده‌بوزروزی موفق برای آن ساخته شده است که با عقلایت یا با عزاداری در ساحت فردی به سعادت یا موفقیت می‌رسد. حال آنکه چنین تصویری نه تنها واقعی نیست بلکه حداقل در این سال‌ها بارها نقض شده است، مثل عدم رسیدن ماسک و دارو در اوج کرونا به کشورهایی که فقیرتر بودند یا جنگ در منطقه خاورمیانه که نشان می‌دهد صلح پس‌اخرده‌بوزروزی آنها بیشتر نوعی توهم است تا واقعیت.

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد این دو گروهی که به آنها اشاره شد، بیش از آنکه به عقلایت و ضدفاشیستی شدن فضای فعلی کمک کنند، خودشان به نوعی جاده صاف‌کن ظهور فاشیسم یا به تعبیر بهتر نونفاشیسم جدید هستند و با مواضع به شدت غیردقیق خود درباره فلسطین مساله را برای ظهور افکار فاشیستی و به عرصه رسیدن فاشیسم جدید فراهم می‌کنند.

خرده‌بوزروزی جذاب یا همدست ظلم

هم فاشیسم پژوهان و هم طیف انجمن حجتیه، به هیچ عنوان با اشکال مختلف سرمایه‌داری، درگیری ن‌دارند اما در بین اشکال مختلف به شکلی مروج نوعی خرده‌بوزروزی هستند. جالب است بدانید آرتور روزنبرگ در مقاله‌ای که به شدت آماری است و در آن از آمار بهره برده است، نشان می‌دهد فاشیسم نه تنها از دل طبقه کارگر نیست بلکه در پیوند طبقه متوسط شهری در آلمان با هیتلر و حتی خرده‌بوزروزی‌شکل گرفته است. این نکته در طرح فاشیسم پژوهان به شدت مغفول است، و جالب‌تر آنکه در تفسیر واقعه عاشورا هم شکلی از نابرابری و ظهور گروه‌های ژوئمنند در پیوند با تفکر امویان در طول چند دهه حکومت معاویه به شدت آشکار است؛ واقعه‌ای که به هیچ عنوان مورد پرسش قرار نمی‌گیرد چراکه هر دو گروه پایگاه فکری خود را از نوعی معرفت خرده‌بوزروزی می‌گیرند. از منظر این گروه‌های خرده‌بوزروزی، نژاد عقلایت است و شکلی از اینابتا ثروت که در چرخه نابرابری هم دخل و تصرف دارد و ربطی به وضعیت ندارد و حاصل تلاش فردی است. این فکر است که همه